

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## گروه دهشت طلب یا ماشین جنگی فوق مدرن؟

چگونگی تحقق اهداف سلطه‌گرایانه ایالات متحده در منطقه و تبنای‌های موجود عوامل بیرونی رویارویی‌های بین‌افغانی و فرهنگ فریب و تذویر

آنها در حال خریدن فرصت بمنظور تثبیت قدرت خویش می‌باشند  
دیپلوماسی کنونی امریکا: دیپلوماسی توپدار (!)  
آیا جهان شهروندان کشور ما را شکست دادند؟  
زنگ خاکسپاری هژمونی امریکا بصدا درآمد

قبل از همه تذکر این مسأله لازمی پنداسته می‌شود که واژه تروریسم از کلمه "ترور" اخذ شده که بمعنای وحشت است. تروریسم اساسن پدیده سیاسی است. اما از سایر پدیده‌هایی که سیاسی هستند در علم مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند، از جمله با پدیده انقلاب، شور، کودتا، جنگ، عملیات چریکی و امثال اینها متفاوت می‌باشد، زیرا تروریسم همراه با خشونت است و سعی دارد با مستولی نمودن ترس و وحشت بر جامعه با اهداف سازمانی فتنه سیاسی، اقتصادی و... دست یابد. اگر چه راجع به تعریف تروریسم توافق جهانی وجود ندارد. اما در نقطه‌ای که تروریسم همراه با خشونت و تهدیدهاست، توافق نظر وجود دارد. تعریفی که وزارت دفاع امریکا در سال ۱۹۹۰ ارائه کرده عبارت از کاربرد غیر قانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال بمنظور مجبور و مرعوب نمودن حکومت‌ها یا جوامعی کاغلب بقصد دستیابی با اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد. بهرحال، با اینکه هیچ توافق کلی برای تعریف واحدی از تروریسم وجود ندارد. ولی بنظر می‌رسد محورهای اصلی تروریسم بعبارة ذیل خلاصه می‌گردد: تروریسم یک پدیده کاملن سیاسی است. تروریسم همواره با خشونت همراه می‌باشد. تروریسم دارای عقلانیت سودمحور است، تروریسم یک پدیده معنأ دارو حامل پیامی است. یعنی تروریسم در طرح خواسته‌ها و رسیدن به هدف خویش بطرفهای مقابل (عمدتن دولت‌ها) بدلیل شرایط حاکم بروضعیت موجود از راهای خشونت آمیز و دراز مذاکره و گفتگو استفاده نموده و به منظور حفظ و بقای خویش با آخرین راه حل یعنی خشونت و تروردست می‌زند. حوادث تروریستی بمفهوم وسیع کلمه، حاوی این پیام است که هرگز نباید بامنیت بین‌المللی بگونه تک بُعدی نگاه کنیم.

در آغاز و دیباچه موضوعات مطرح شده در نیشته حاضر و قبل از بررسی مسایل مورد بحث بمفهوم وسیع کلمه، طرح این پرسش درخور اهمیت پنداشته می‌شود که چه کسانی و کیها در مجموع، راز موفقیت را به "طالب"‌ها آموختند؟ نباید فراموش نمود که طرح ریزی ارتش مدرن در دفاتر صورت گرفته و تجهیزات مورد ضرورت نظا میان هم در کارخانه‌ها و حتا قبل از آن در اکادمی‌های نظامی و ستادهای عمومی فرماندهی، پس از بررسی‌های آخرین روش‌ها و شیوه‌های عملیات‌های مسلحانه توسط ستراتژیست‌های دارای تحصیلات عالی، تولید و تهیه می‌گردد. "طالب"‌ها هیچکدام از موارد یادشده را در اختیار نداشتند و در اوضاع و احوال کنونی نیز از چنین امتیازی محروم اند. اما نظامیان پاکستانی از همه امکانات یادشده برخوردار بوده و سالهای سال است که بر "طالب"‌ها تسلط داشته و در زمینه ارانه و تداوم آموزش‌های نظامی و جنگی از نظارت کامل بر آنها برخوردار بوده و همین اکنون در مسیر یادشده، عرق ریزی می‌نمایند. بارتباط موضوع گفته آمده، در گزارش پسین دیده بان حقوق بشر تذکر بعمل آمده که پاکستان، بویژه در امتداد دهه‌های پسین بگونه وسیع و گسترده ای از "طالب"‌ها چه در داخل و چه در خارج از آن کشور، حمایت و پشتیبانی بعمل آورده و بآموزش

جنگجویان آنها مبادرت ورزیده است. با وجود آنهمه، دولت پاکستان، بارها هرگونه حمایت نظامی از "طالب" ها را در زمینه دیپلوماسی خود در رابطه با عملیات گسترده این گروه در اراضی متعلق بافغانستان رد نموده است. اما در واقعیت امر، پاکستان در امتداد سال های طولانی از "طالب" ها حمایت مالی و نظامی گسترده ای بعمل آورده است.

در امتداد سال ۱۳۵۹ که بیشتر از ۲ میلیون تن از مهاجران افغان در سرزمین پاکستان موجود بودند، کشور اخیرالذکر، با ایجاد و تأسیس مراکز مطمئن برای مجاهدین مبادرت ورزید. اسلام آباد در سال یادشده بمثابة یکی از اقماریالات متحده، توسط سازمان های استخباراتی ایالات متحده مبلغ ۳ میلیارد دالر را بمنظور کمک به مجاهدین دریافت نمود. با استفاده و بکارگیری از مبلغ یادشده، بیشتر از ۸۰ هزار جنگجوی مخالف حاکمیت افغانستان، آموزش های جنگی و خرابکارانه را فراگرفتند. حتی پس از فراخواندن نظامیان شوروی از اراضی متعلق بافغانستان در سال ۱۳۶۸، عده ای از مجاهدین باقیمانده در پاکستان مورد تربیه و آموزش های نظامیان پاکستان قرار گرفته و در نتیجه در امتداد سال ۱۳۷۳، "طالب" ها نیز از بازمانده ها و بقایای مخالفان دولت افغانستان، سربلند نموده و اعلام موجودیت نمودند.

با تشدید وضعیت امنیتی در داخل کشور، معاونت ها و کمکهای تسلیحاتی اردوی پاکستان و خدمات استخباراتی آنکشور بویژه آی اس آی بشمول مرمی های توپچی و تانک و راکت اندازها بجانب کشورما سرازیر گردیده و بدسترس "طالب" ها قرار داده شد. شرکت مخابراتی پاکستان با ایجاد و تأمین خدمات ارتباطی و مخابراتی برای آنها مبادرت ورزید.

پاکستان راهها و مسیرهای مورد استفاده "طالب" ها را ترمیم و بازسازی نموده و تسهیلات برقی و انرژی مورد ضرورت برای "طالب" ها را مساعد و مهیا نمودند. شبهه نظامیان مرزی تحت امر وزارت امور داخله آن کشور، برای فرماندهان "طالب" ها سیستم های شبکه بی سیم ایجاد نموده و بخش های خدمات حمل و نقل هوایی آن کشور، میدان هوایی کندهار را بازسازی نموده و به ترمیم و فعال ساختن هواپیماهای نظامی "طالب" ها نیز اقدام نموده و همچنان، "راديو پاکستان"، کمک ها و معاونت های گسترده تخنیکي را به "راديو شریعت" متعلق به "طالب" ها اختصاص دادند.

مسایل و موارد مادی و اقتصادی "طالب" ها عمدتاً از قاچاق مواد مخدر تأمین می گردید. بر بنیاد گزارش بانک جهانی، در امتداد سال ۱۳۷۶، "طالب" ها از مدرک قاچاق مواد مخدر میان افغانستان و پاکستان، مبلغ ۷۵ میلیون دالر عاید بدست آوردند. "طالب" ها با نظامیان، سیاسیون و نهادهای اجتماعی پاکستان در زد و بندهای چندجانبه ایی گیر افتاده اند. در عمل، تمامی دستاوردهای "طالب" ها، بمفهوم وسیع کلمه، مرهون برنامه ریزی های نظامیان پاکستانی و سهمگیری بالفعل و بالقوه آنها در انجام عملیات مسلحانه در اراضی کشورما محسوب می گردد.

در موارد اینچنینی، "طالب" ها بگونه غیرمنتظره و ناگهانی، توانایی ها و نوآوری های نظامی و حربی شان را به نمایش گذاشتند. در امتداد سال های ۱۳۷۴ - ۱۳۷۸، می توان از مهارت های جنگی و حربی آنها، بویژه پس از جنگ ها و درگیری های نفس گیر و در جریان انجام حملاتی به کابل در سال ۱۳۷۴ و همچنان در جریان انجام عملیات مسلحانه علیه شهر هرات در امتداد سال ۱۳۷۵ نام برد. "طالب" ها در نتیجه عملیات یادشده علیه قوت های مسلح دولتی متحمل خسارات گسترده مالی و جانی گردیدند. در نتیجه با تحمل تلفات سنگین بر "طالب" ها، وضعیت نسبتاً آرامی بر کشور مستولی گردید. پس از آن، تشکیلات "طالب" ها، بکارگیری تاکتیک های جدیدی را در دستور کار خویش قرار داده و حملات جدیدی را آغاز نمودند. در جریان ماه حمل سال ۱۳۷۴، جنگجویان "طالب" ها که تعداد آنها به شش هزار تن بالغ می گردید، با شکست سنگینی مواجه گردیدند. این شکست بحدی بود که برخی از تحلیلگران پیشبینی نمودند که بیشتر از این، پدیده "طالب" ها مسیر تعیین شده برای خویش را پشت سر گذاشته اند. اما پس از انجام و فراگیری آموزش های مجدد و دستیابی به تسلیحات بیشتر، در امتداد ماه ثور سال ۱۳۷۴، جنگجویان یادشده در قبال پیشروی های نظامیان دولتی عقب نشینی نموده و اما بگونه ناگهانی و با استفاده از کمین گاهها به ضد حملاتی متوسل گردیدند. گروهایی از "طالب" ها با استفاده و بکارگیری از وسایل حمل و نقل دست داشته، راهها و مسیرهای ارتباطی گروههای مجاهدین مخالف خویش را مسدود نمودند تا با عقب نشینی احتمالی نیز نتوانند با ایجاد خطوط دفاعی اقدام نمایند. از آنجایی که دستجات و گروهایی از "طالب" ها سوار بر وسایل انتقالی و بسلاح

ها وراکت اندازها مجهز بودند، بگونه مکرر با اهداف مورد نظریورش برده و حملات گسترده ای را سازماندهی و اجرا نمودند. آنها بمنظور رسیدن زودهنگام، بعوض بکارگیری ازسربک ها و جاده های قیرریزی شده، از راهها و مسیرهای فرعی و خامه، خود را به محلات و مخفیگاههای شان رسانیده و از وسایل انتقالی (پیکپ ها) عرضه شده توسط نظامیان پاکستانی، بمثابه وسایل متحرک جنگی در میدان های نبرد کارگرفته می شد. مشابه آنچه گفته آمد، حملات "طالب" ها به مسیر کابل نیز آغاز گردید، اما در امتداد سال ۱۳۷۴ بگونه تمام عیار با شکست مواجه گردیده و بیشترین تعداد "طالب" ها کشته شده و مقادیر هنگفتی از سلاح ها و مهمات جنگی آنها نیز به غنیمت گرفته شد که در نتیجه، درگیری موقت خاتمه پذیرفت. اما پس از چندی، نفرات و جنگجویان "طالب" ها، حملات شان را از سر گرفته و از رهگذر در اختیار داشتن تجهیزات و وسایل محاربوی، تفوق شان را بر خ دیگران کشیدند. در چنین وضعیتی، بتاريخ ۲۱ ماه سنبله سال ۱۳۷۵، شهر جلال آباد را متصرف گردیده و حملاتی را باستقامت سروبی آغاز نمودند. حملات یاد شده بیشتر شبیه حملات گسترده "طالب" ها در جریان سال ۱۳۷۴ به شهر هرات بود.

در این مورد پرسشی باین شرح مطرح می گردد که کیها و چه کسانی سلاح و مهمات را در اختیار "طالب" ها قرار می دادند؟ در اوایل، شرکت های خصوصی و شخصی پاکستانی بگونه انفرادی بامر متذکره در فوق مبادرت می ورزیده و مسایل مورد نظریاد شده را از تولیدات نظامی چین از طریق رهبران آنها در هانکاتگ و دوی خریداری و تهیه می نمودند.

سیستم خریداری بگونه انفرادی و شخصی، بویژه بدلیل عدم اعتماد "طالب" ها به شیوه های مورد استفاده بخش های استخباراتی پاکستان در مورد نظارت از چگونگی اجرای عملیات "طالب" ها مطرح بحث قرار گرفت. در مدت زمان موجودیت و حضور نظامیان شوروی در کشور ما، سازمان استخباراتی پاکستان، روش و سیستمی را بمنظور در اختیار قرار دادن تسلیحات به "طالب" ها رویدست گرفت که مطابق آن، سلاح، مهمات و مواد سوخت مورد ضرورت باندازه لازم و آنچنانی در اختیار "طالب" ها قرار داده نشد. چه، بویژه پس از آنکه اجرای فلان و بهمان عملیاتی که توسط استخبارات و اردوی پاکستان مورد تأیید قرار می گرفت، مواد یاد شده به جنگجویان تحویل داده می شد، در غیر آن، چنین مسیری با موانعی مواجه می گردید.

"طالب" ها آرزومند بودند تا اصل استقلالیت شان را بویژه بمنظور دستیابی با اهداف سیاسی و نظامی، بدست آورده و بر این بنیاد و بگونه تکراری، بدون تأیید و اجازه ای اس آی، عملیات های مسلحانه ایی را براه انداختند. اما استخبارات پاکستان بصورت کل، به توسعه ظرفیت و تفویض صلاحیت خریدن سلاح و مهمات برای آن اداره علاقمند بود.

فرصت های اینچنینی بویژه پس از آن بوجود آمد که دهها افسر توسط دولت برهبری بینظیر بوتو از وظایف رسمی شان برکنار شده و در عوض هم افسران یاد شده در صدد آن شدند تا شرکت های صادرات و واردات شان را ایجاد نموده و یا به شرکت های از قبیل موجود پیوستند. آنها با استفاده و بکارگیری از مناسبات و روابط قبلی شان با "طالب" ها سود جسته و در پی آن شدند تا بمثابه واسطه، سلاح و تجهیزات جنگی خریداری نموده و به کشور ما انتقال دهند.

در برخی موارد، شرکت های چینی تولید سلاح و مهمات جنگی، بگونه حضوری به فرماندهان "طالب" ها مراجعه نموده و تحویلدهی سلاح و مهمات جنگی را با آنها مطرح بحث قراردادند که در نتیجه، از طریق بحرو با استفاده از بندر "کراچی"، کانتینرهای مهمات و تسلیحات چینی بدون بررسی های گمرکی به کشور ما انتقال ل و به "طالب" ها تحویل داده می شد.

در مورد سهمگیری و نقش عربستان سعودی بایست یاد آور شد که با عودت نظامیان شوروی از اراضی متعلق بکشور ما در امتداد سال ۱۳۶۸ و بویژه پس از سقوط حاکمیت برهبری دکتور نجیب الله، کمک های عربستان سعودی به جنگجویان افغانی در گام نخست بمنظور مقابله با اثر گذاری ایران در کشور ما از طریق مبارزه با رشد و توسعه عوامل ایران در دولت افغانستان، بگونه نمونه تقویت و پشتیبانی از ربانی و مسعود، مطرح بحث قرار گرفت. پس از آنکه در پایان سال ۱۳۷۳، پاکستان ازدایش و پیدایش "طالب" ها پشتیبانی به عمل آورد، عربستان سعودی نیز با پیروی از مثال ایران، در امتداد سال ۱۳۶۹، به معاونت کننده و کمک کننده بزرگ "طالب" ها مبدل گردید. تصمیم "طالب" ها در مورد نگهداری اسامه بن لادن و اباً ورزیدن از تحویل نامبرده به ایالات متحده، فشارهای آنکشور به عربستان سعودی را بیش از پیش افزایش بخشیده و در نتیجه،

کمک ها و معاونت های رسمی آن کشور به "طالب" ها نیز قطع گردید.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که کمک های عربستان سعودی به گروه های مخالف به ۲ میلیارد دالربالغ می گردید. در امتداد سال های ۱۳۷۰ - ۱۳۷۲، "حزب اسلامی" برهبری گلبدین حکمتیار، بیشترین بخش کمک های یادشده را دریافت می نمود. در جریان سال های ۱۳۷۲ - ۱۳۷۳، کمک های عربستان سعودی به "مجاهدین" بالغ به ۱۵۰ میلیون دالر می گردید. البته کمک ها و معاونت های یادشده بگونه مشروطی بجاتب حاکمیت مسعود - ربانی تحویل داده می شد.

کمک های عربستان سعودی بگونه موقتی از محدوده کمک های مالی فراتر رفته و شامل مؤلفه های نظامی و مساعدت های سازمانی نیز میگردد. خبرنگاران و گزارشگران غربی، در سال ۱۳۷۵ هواپیماهای سفید رنگ "هیرکولیس" با علامه مشخصه سی - ۱۳۰ را که به میدان هوایی کندهار نشست و برخاست انجام می دادند، مشاهده نمودند. هواپیماهای یادشده، محموله هایی از سلاح و مهمات را برای "طالب" ها انتقال می دادند. در نهایت امر، تذکراین مسأله درخور اهمیت پنداشته می شود که بدون معاونت ها و کمک های خارجی ها و بدون سهمگیری آنها در عملیات مسلحانه در کشور، "طالب" ها اصلاً از کمترین و اندکترین فرصت ها و امکانات در امر اشغال و تصرف کشور برخوردار نبودند. در امر تسلط "طالب" ها بر کشور عزیز ما افغانستان، عمده ترین نقش بر عهده استخبارات خارجی قرار داشت.

برخی ها پرسشی را بشرح زیر مطرح می نمایند کآیا پس از خروج نظامیان امریکایی از افغانستان، حاکمیت در کشور به "یک دولت شبه تروریستی" تبدیل شد؟ عده ای هم چنین می پندارند که با وجود تمرکز افکار و توجه بیشتر بر رویدادهای اکرانین، بویژه ایالات متحده در قبال سیر حوادث و از چگونگی وضعیت و خطرات احتمالی ناشی از آن در کشور ما نباید چشمانش را ببندد.

همچنان، موجودیت ایمن الظواهری رهبر "القاعده"، بیش از همه، تهدیدهایی را متوجه صلح و امنیت منطقه و جهان مینماید. پیدایش و رشد روز افزون "داعش"، تهدید دیگریست که نباید بآن کم بها داد. بر بنیاد اظهارات کارشناسان و دست اندرکاران مسایل و موضوعات مربوط به منطقه، با حضور و موجودیت دسته بندی های تروریستی از قبیل "القاعده" و "داعش"، افغانستان تحت تسلط "طالب" ها، در کنار سایر موارد، به مرکز و محل تولید مواد مخدر در جهان مبدل گردیده است.

بر بنیاد برآوردهای انجام شده، در شرایط و وضعیت کنونی، افغانستان با کمبود گسترده مواد خوراکی، آب صحتی، انرژی برق دست و پنجه نرم نموده و با یک سیستم آموزشی و بهداشتی تقریباً شکست خورده مواجه بوده و بنحوی از انحأ، در قبال عملکردهای تروریستی نیز آسیب پذیر می باشد.

مطابق اظهارات برخی از کارمندان استخباراتی ایالات متحده، "طالب" ها مدت ها قبل به "القاعده" و سایر گروه بندی های تروریستی در اراضی افغانستان پناه داده و جنگجویان آنها را جابجا نمودند. می توان با صراحت اظهار نمود که حتا در امتداد سال ۱۳۸۰ در کشور، بگونه عملی، بمفهوم اخص کلمه، اصلاً حاکمیتی وجود خارجی نداشته و از این رهگذر، شهروندان کشور در رنج و عذاب بسر می بردند.

یاددهانی این مسأله درخور اهمیت پنداشته می شود که در مورد نطفه گیری و انکشاف بیش از پیش "داعش" در کشور ما اظهار نظرهایی صورت گرفته که قبلن با پیشگویی هایی در مورد عدم قابلیت و ناتوانی "طالب" هادر تأمین امنیت سراسری در کشور هشدار داده شده بود که بآن نباید بآن کم بها داده شده و اما آنرا آنچنانکه هست باید در نظر گرفته و با اقدامات و عملکردهای لازمی در زمینه متوسل گردید.

شنبه ۳۱ ماه ثور سال ۱۴۰۱ خورشیدی